

کشور را به سمتی متوجه کند، به جای رادیوها آمده در داخل کشور ما پایگاه زده است! بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه‌های دشمن‌اند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون‌های بی‌بی‌سی و امریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند!

... مراقب نفوذی‌ها باشید. من می‌خواهم فقط شما بدانید؛ می‌خواهم افکار عمومی بی‌خبر نماند از این که دشمن در زمینه مسائل فرهنگی در کشور چه می‌کند و هدف‌هایش چیست. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران ۷۹/۲/۱

بنده نهضت عدالتخواهی را مطرح کردم؛ فضایی در کشور به‌وجود آمد و جوان‌های ما به این مسئله علاقه‌مند شدند. این معنایش این نیست که ما از اول انقلاب نهضت عدالتخواهی نداشتیم - چرا، انقلاب بر پایه عدالت است - اما این تجدید مطلعی شد و روح تازه‌ای در جوان‌ها به‌وجود آورد و همت آنها را برانگیخت. همچنین آزدفکری و تولید علم و امثال اینها از ارمان جوان است و برای این که به این ارمان برسد، به علم و فعالیت سیاسی منظم و صحیح و کسب تجربه و دانایی احتیاج دارد. جوان باید در خود دانایی را به‌وجود بیاورد. دانایی، فقط علم آموختن نیست؛ دانایی به‌اندیشمندی هم ارتباط پیدا می‌کند. باید روی مسائل فکر کرد. عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه برسید. نهضت آزدفکری‌ای که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تریبون‌های آزد بگذارند و با هم بحث کنند؛ منتها نه متعصبانه و لیجوانانه و تحریک شده به‌وسیله جریان‌های سیاسی و احزاب سیاسی که فقط به فکر آینده کوتاه‌مدت و مقاصد خودشان هستند و برای انتخابات و امثال آن از جوان‌ها استفاده می‌کنند؛ بلکه برای پخته شدن، ورز خوردن و ورزیده شدن و با هدف آماده شدن برای ادامه این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش‌عاقبت... گفت: «یک سینه حرف موج زند در دهان ما». ما با شما خیلی حرف داریم؛ ولی متأسفانه مجال زیادی نیست. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان (۱۹۰۲/۱۳۸۴)

اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته می‌شود، بعد هم تمام می‌شود، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به‌وجود نمی‌آید. شماها کردید؛ کار شما جوان‌ها بود؛ به عنوان جنبش عدالتخواهی، به‌عنوان طرح مسئله عدالتخواهی - نمی‌خواهم حالا به یک تشکیلات خاص اشاره کنم - این را در دانشگاه‌ها جوان‌های مؤمن، جوان‌های متعهد، جوان‌های با مسئولیت مطرح کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتایج‌اش را در گزینش‌های مردم، در جهتگیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد. بنابراین شما یک گام جلو آمدید. بیانات معظم له در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگ دانشگاه‌ها (۱۷/۰۷/۱۳۸۶)

بنده گفتم کرسی آزدفکری را در دانشگاه‌ها به‌وجود بیاورید. خوب، شما جوان‌ها چرا به‌وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزدفکری سیاسی را، کرسی آزدفکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به‌وجود بیاورید. چند نفر دانشجوی بودند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. اینجوری که حق درست فهمیده نمی‌شود. ایجاد فضای آشفته ذهنی با فاطمی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. شما تجربه این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکر است؛ یعنی آزدانه فکر کردن، آزدانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۸۸/۸/۶

حضور دکتر احمدی‌نژاد در دانشگاه امیرکبیر ۲۰ آذر ۱۳۸۵



مصاحبه احمدی نژاد در مورد دفتر تحکیم وحدت

می‌خواستند از عنوان انجمن اسلامی سوءاستفاده کنند

متن زیر حاصل گفت‌وگوی نشریه حریم با دکتر احمدی نژاد در سال ۸۰ است. برخی مواردی که در این گفت‌وگو به آن اشاره شده است مربوط به شرایط روز دفتر تحکیم وحدت است و از آنجایی که احمدی نژاد جزو مؤسسين این دفتر بوده، از خاستگاه تشکیل و مقایسه با وضعیت موجود آن سخن گفته است. همچنین در این گفت‌وگو مرزبندی‌های شفاف استاد دانشگاه آن روز و رئیس جمهور امروز با جریان‌های لیبرال بیان شده است:

توجه داشته باشید که اساساً دفتر تحکیم وحدت برای صیانت از جریان دانشجویی در مقابل جریان‌های انحرافی تشکیل شد. اول انقلاب جریان التقاطی که گروه منافقین و جنبش مسلمانان مبارز تیلور آن بودند و همین‌طور گروه‌های لیبرال که در رأس آنها نهضت آزادی بود، اینها حضور داشتند، انجمن‌های اسلامی به عنوان پیروان حرکت اسلام ناب برای پیگیری تحقق حاکمیت دینی ناب در مقابل جریان‌های انحرافی تشکیل شد، چون آنها

حوادث اخیر حاکی از این است که دفتر تحکیم وحدت متأسفانه دارد پیوندهایی را با جریان مشکوک برقرار می‌کند، به‌طور آشکار با نهضت آزادی. بعد از حادثه کوی دانشگاه هم که بسیاری از پرده‌ها برافتاد و در واقع پشت پرده اجمالی این جریان نشان داده شد. پرداخت‌ها و باورهای شما نسبت به حرکت‌هایی که اخیراً تحت عنوان دفتر تحکیم دارد شکل می‌گیرد چیست؟

تجمع می‌گذارند در دانشگاه امیرکبیر، از ۳۰ هزار دانشجو که در تهران هست، خودشان ۸۰۰،۷۰۰ نفر جمع می‌شوند، آنها هم بعضی‌هیشانشان دانشجوی نیستند، با انگیزه‌های دیگر آمدند، نمایندگانی مجلس تعدادی آمدند، از احزاب مدعی آمدند، اینها شدند حدود ۸۰۰ نفر، این نشان می‌دهد که اینها نمایندگی افکار عمومی دانشجویان هم نیستند



چشم‌انداز دانشجویی

از شهری زندگی و غربی زندگی تا انقلاب اسلامی

۷۳

فصل سوم از دفاع مقدس تا سوم تیر

من یادم هست که تحکیم را تازه تشکیل داده بودیم. رقتیم خدمت امام، حضرت امام (ره) صحبت مفصلی در شأن انجمن‌های اسلامی کردند. در همان جا گفتند مواظب باشید هر کس که می‌آید، کنترل کنید. نفوذی‌ها نیابند، یعنی مسأله این قدر مهم بود که امام از همان روز اول مطرح فرمودند که غفلت شد از این

گروه‌های بسیار سازمان یافته‌ای پشت شان بود، انجمن‌های اسلامی به تنهایی از توان کافی برای حفظ خودشان و مقابله با طراحی‌های آنها برخوردار نبودند. برای این که این توان را افزایش بدهند، دور هم جمع شدند و چیزی به نام دفتر تحکیم را تأسیس کردند که این انجمن‌ها در ساختار تحکیم نیروهایشان را روی هم بریزند، تعامل بکنند، پشتیبانی بکنند از همدیگر و بتوانند از مسیر اصلی انقلاب در مقابل انحرافات دفاع کنند.

اساسنامه‌ای هم که تنظیم شده دقیقاً همین است، یعنی در اساسنامه اهداف دفتر تحکیم، پیگیری حاکمیت دینی و استقرار حکومت اسلامی، البته از دیدگاه حضرت امام و رهبری و مقابله با کلیه جریان‌های انحرافی درج شده است.

اینکه می‌فرمایید یک سری حرکت‌هایی اخیراً دیده می‌شود، این حرکت‌ها را باید باز کنیم. شاید منظور شما این اعلامیه‌ای است که اخیراً به نام دفتر تحکیم و شورای عمومی انجمن‌های تهران صادر شده است.

اولاً در اساسنامه تحکیم، چیزی به نام شورای عمومی تهران وجود ندارد. یک شورای عمومی هست، آن هم همه انجمن‌های سراسر کشور و این شورای عمومی تهران هویت واقعی ندارند. پس این یک اشکال که اصلاً خلاف اساسنامه است، ثانیاً بعضی از این انجمن‌ها در شرایط فعلی اصلاً شوروی مرکزی ندارند، رسمیت ندارند، از جمله انجمن اسلامی علم و صنعت، خوب اینها ۲ دفته انتخابات برگزار کردند و انتخابات شان باطل شد، یعنی هم از خود دفتر تحکیم وحدت مرکزی آمدند و هم از هیأت ۳ نفره داخل دانشگاه نظر دادند که این باطل است. حالا به هر دلیل، بنابراین شورای موجه رسمی وجود ندارد. چطور امضا می‌کنند، اعلامیه می‌دهند؟

نکته سوم این که قرار بود جریان دفتر تحکیم حامی اسلامی ناب و حاکمیت دینی و خط ولایت باشد، اما موضوعی در مقابل حرکت اصلی انقلاب، یعنی جدا شدن از اساسنامه و قطعاً امری غیر مشروع و برخلاف اساسنامه.

نکته چهارم اینکه مجموعه‌ای که امروز به نام دفتر تحکیم فعالیت می‌کنند، اینها نماینده جریان مذهبی در دانشگاه نیست. البته اینهایی که این اطلاعیه را دادند، نه اینکه اصل دفتر تحکیم، این کسانی که در شوراهای انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران به اصطلاح نفوذ کردند و حضور دارند، اینها به هیچ وجه نماینده جریان مذهبی در دانشگاه نیستند.

نکته آخر اینکه این مجموعه به هیچ وجه نماینده افکار عمومی دانشگاهی‌ها هم نیست، یعنی وقتی که بررسی می‌کنیم، اینها تلاش می‌کنند با هزار تبلیغات و حتی بعضی از رسانه‌های بیگانه هم از آنها حمایت می‌کنند، تجمع می‌گذارند در دانشگاه امیرکبیر، از ۳۰ هزار دانشجو که در تهران هست، خودشان ۷۰۰، ۸۰۰ نفر جمع می‌شوند، آنها هم بعضی‌هاشان دانشجو نیستند، با انگیزه‌های دیگر آمدند، نمایندگان مجلس تعدادی آمدند، از احزاب مدعی آمدند، اینها شدند حدود ۸۰۰ نفر، این نشان می‌دهد که اینها نماینده افکار عمومی دانشجویان هم نیستند. بنابراین باید راجع به چنین پدیده‌های صحبت کنیم که اکنون این مسائل و مشکلات دورش هست، این که می‌فرمایید انحراف درست شده است.

در صحبت‌ها بپتان اشاره کردید که اساس دفتر تحکیم وحدت بر پایه رفتارهای اسلامی انجمن‌های اسلامی شکل گرفت، با عنایت به اینکه رفتارهای اسلامی و انجمن‌های اسلامی مسبب تشکیل و تأسیس این دفتر بودند، چه عواملی سبب این شد که بعضی از اعضا از تحکیم وحدت فاصله گرفتند؟ چه عواملی باعث شد که ریزش‌هایی در دفتر تحکیم به وجود بیاید؟

این باید یک مقدار عمیق‌تر بررسی کنیم. چندعامل به نظر من باعث شد که این وضعیت امروز در شوروی جعلی عمومی تهران به وجود بیاید، چون من معتقد نیستم که کل انجمن‌های اسلامی که عضو تحکیم هستند یا آن حرکت اصلی دفتر تحکیم این مقدار دچار مسأله باشد.

یعنی آن هسته مرکزی اصلی، خود را حفظ کرده؟ در حرکت عمومی آن هنوز جریان‌های ارزشی و انقلابی حضور

مؤثر دارد، ققدر تلاش کنند؟ اما بعضی از انجمن‌های اسلامی ما دچار آسیب شده‌اند، آسیب نفوذ. نفوذ کسانی که می‌خواهند از گذشته پر افتخار حرکت دانشجویی استفاده بکنند که در واقع هویت آنها، هویت مذهب و دینی است، اما علیه اهداف گذشته، یعنی از آن شخصیت و آن اعتبار استفاده کنند جهت زدن ریشه‌های همان اهداف. این را ما می‌گوییم نفوذ.

باید برگردیم به سال‌های ۶۳، ۶۴ این سال‌ها تازه این دسته‌بندی‌های سیاسی در کشور ما داشت شکل می‌گرفت. چپ و راست و... بعضی از جریان‌های سیاسی آن زمان برای پر کردن خلأ پایگاه اجتماعی‌شان نیازمند حرکت دانشجویی بودند. اینها آمدند سراغ انجمن‌های اسلامی و تحکیم. حمایت هم شدند از طریق سازمان‌ها، آمدند داخل تحکیم. در واقع یک نوع تصفیه‌ای را انجام دادند. افرادی آمدند وارد شدند، حتی کسانی که دانشجوی نبودند. آمدند و با استفاده از فضای که آن روز بود، شرایط جنگی بود و خیلی‌ها رعایت بسیاری از مسائل را در رقابت‌های سیاسی می‌کردند، آمدند و گرفتند. یا این نیست که از عنوان دفتر تحکیم، از قدرت دانشجویی، در معادلات سیاسی داخل استفاده بکنند. این دعوایی که در تحکیم اتفاق افتاد، در انتخابات دوم بود.

در آنجا در واقع دو اعلامیه از تحکیم آمد به عنوان حمایت از یک عده‌ای در تهران. خوب این رونده، یعنی روند استفاده از حرکت دانشجویی در معادلات سیاسی بیرون از دانشگاه ادامه پیدا کرد تا به امروز.

این چون با احساس روح حرکت دانشجویی در تعارض است، بستر را برای انحراف و نفوذ آماده می‌کند، یا اگر بخواهیم به تعبیر روشن‌تر مطلب را بگوییم، عزم جزم احزاب بیرون برای بهره‌برداری سیاسی یا به خدمت گرفتن حرکت دانشجویی، عامل اصلی در بروز این مشکلات بود.

عامل دوم بخشی از اعضای خود دفتر تحکیم هستند که علی‌رغم هشدارهایی که داده شد و علی‌رغم بحث‌هایی که شد در شورای عمومی سال ۶۴، اینها هم پذیرفتند این بهره‌کشی و این واردان را.

عامل سوم غفلت از اهداف اولیه و اساسنامه است. عامل چهارم فراموش کردن امر خودسازی درون تشکیلاتی است که امام در هر ملاقاتی که ما داشتیم در آن زمان شدیدا تأکید می‌کردند.

عامل پنجم غفلت از نفوذی‌هاست. من یادم هست که تحکیم را تازه تشکیل داده بودیم، رقتیم خدمت امام، حضرت امام (ره) صحبت مفصلی در شأن انجمن‌های اسلامی کردند. در همان جا گفتند مواظب باشید هر کس که می‌آید، کنترل کنید. نفوذی‌ها نیابند، یعنی مسأله این قدر مهم بود که امام از همان روز اول مطرح فرمودند که غفلت شد از این.

عامل بعدی که شاید مشابه عامل اول و دوم یا تلفیق عامل اول و دوم باشد، این بود که دفتر تحکیم از حالت یک حرکت و تشکل دانشجویی خارج شد و شکل حزبی به خود گرفت. شکل حزبی به این معنا که یک مرکزیتی دارد؛ امر و نهی می‌کنند، گزینش می‌کنند، منحل می‌کنند، اخراج می‌کنند و برخورد می‌کنند. به یک انجمنی که با آنها خط فکری اش یکی نباشد می‌آیند شروع می‌کنند به فشار آوردن و با استفاده از اهرم‌هایی آن را منحل می‌کنند. این به نظر من اصلاً شاکله حرکت دانشجویی نیست. حرکت دانشجویی یعنی آزادی و آزادی و در حصار محدودیت‌های حزبی قرار نگرفتن. به تعبیر دیگر دفتر تحکیم پذیرفت به عنوان بازوی اجرایی احزاب بیرون حرکت حزبی انجام بدهد در درون دانشگاه‌ها. حتی در سال ۶۶ می‌بینیم که یکی دو تا انجمن اسلامی که مخالف این روند بودند با یک طراحی که صورت پذیرفت ساختمان‌هایشان اشغال شد و یک کودتای این طوری شکل گرفت. چند انجمن اسلامی داریم که همین طور ساختمان‌هایشان اشغال شد و آنها را بیرون ریختند.

عامل بعدی خود روز تخرانه است. سه دوره قبل و دو دوره قبل و امروز، زمان آقای دکتر فرهادی و زمان قبلی آقای معین و امروز آقای معین، اساساً مدیریت آموزش عالی به جای بسترسازی و هدایت حرکت عمومی دانشجویی شان خودش را تنزل داد، به

پیگیری اهداف جناحی پرداخت و به طور طبیعی با دفتر تحکیم گره خورد. در تعاملات و چالش‌های دانشجویی یک طرف قضیه را گرفت و حمایت کرد. خوب این خودش تشدید کرد این روند را. یعنی دیگر این جا افتاد که دفتر تحکیم وابسته به یک جناح است و باید اهداف آن جناح را در دانشگاه پیاده کند. خوب، این عوامل کاملاً زمینه‌ساز نفوذ و حضور عناصری را که هیچ اعتقادی به مبانی اصل دفتر تحکیم ندارند، فراهم آورد. چون این مرزبندی‌ها دیگر مرزبندی‌های اعتقادی نبود. اول که دفتر تحکیم تشکیل شد این بود یعنی کسانی که معتقد به حکومت اسلام و ولایت و ارزش‌های اسلامی هستند، به طور ناب، آنچه که امام می‌فرمود، رهبری می‌کرد و کسانی که خورده شیشه دارند حالا با معتقدند که خودشان می‌توانند اداره بکنند یا اساساً مخالفند یا تقاطعی هستند مثل منافقین، یا معتقد به نظام‌های غربی هستند مثل لیبرال‌ها مرزبندی با اینها اهمیت داشت. در واقع دفتر تحکیم تشکیل شد برای اینکه مرزبندی حرکت دانشجویی اصیل را با اینها حفظ کند. وقتی این مرزبندی عوض شد، شد جناح‌بندی داخلی نظام. طبیعی است که هر کس خودش را وارد این جناح‌بندی‌ها بکند، می‌تواند وارد این دسته‌بندی‌ها بشود. این بستر را فراهم کرد و جریان نفوذ به نظر من از این خیلی خوب استفاده کرد.

آقای دکتر، واکنش جریان اصولگرا در مقابل این جریان نفوذ چه بود؟ آیا صرفاً همین کناره‌گیری کافی بود؟

باید دو مرحله کرد. در واقع در دوران جنگ تلاش جریان اصولگرا این بود که بیاید و با بحث و گفت‌وگو مهار بکنند این حرکت را و امیدوار هم بود و در مقابل تهاجماتی که می‌شد، تسخیر می‌شد، انجمن‌ها اشغال می‌شد، به دلیل شرایط جنگی از این که فضای دانشگاه را فضای التهاب و درگیری بکند خودداری می‌کرد؛ اما بعد از دوران جنگ وقتی که تقریباً مایوس شدند از اینکه بتوانند تأثیر جدی بگذارند بر این فضا، آرام آرام آمدند یک تشکل دیگری را شکل دادند. جامعه اسلامی دانشجویان را درست کردند، به فکر تشکیل بسیج دانشجویی افتادند که بتوانند حرکت اصیل دانشجویی را حفظ بکنند و تشکل‌های دیگری شکل گرفتند و گفت‌وگو با دفتر تحکیم و حتی رقابت با دفتر تحکیم را در دستور کار قرار دادند. منتهی توجه داشته باشید وقتی مدیریت آموزش عالی با امکانات گسترده می‌آید و از یک جریان حمایت می‌کند، طبعاً جریان اصولگرا با امکانات محدودی که دارد نمی‌تواند خیلی در مقابل اینها ظهور و بروز داشته باشد. حالا در این قضیه‌ها مثال‌های متعدد داریم که دیگران هر کاری می‌خواهند بکنند، حتی به تمام مقدمات توهین می‌کنند، اما برخوردی نمی‌شود و اما یک بچه مذهبی مسلمان نباید دفاع بکند، یا به یک مدیری از دانشگاه بگوید بالای چشمش ابروست، او را می‌فرستند کمیته انضباطی و فشار و... این حرف‌ها هم هست.

پس عامل دیگر رفتار مدیران آموزش عالی است که در این دوره اخیر خیلی آشکار شد. در حوادث کوی دانشگاه، درگیری‌هایی که بود، شما می‌بینید که مثلاً دفتر تحکیم یک جمعیتی می‌گذارند، حداقل رقمی که می‌گویند ۱۶۰۰۰۰۰ تومان هزینه می‌کند، خوب اصلاً جریان‌های اصولگرا این مبلغ را از کجا بیآورند؟ اصلاً من یادم هست آن موقعی که ما دانشجو بودیم در انجمن اسلامی دانشگاه علم و صنعت بیشتر بچه‌ها از جیب‌شان می‌گذاشتند، یک مقدار کمی در حد کاغذ و قلم و مازیک و جا و... را دانشگاه به آنها می‌داد. این نبود که مثلاً می‌خواهند اردو ببرند، ۱۶۰۰۰۰۰ تومان بدهند. الان رفتار، یک رفتار کاملاً حزبی است؛ با اتکاء به منابع ملی و دولتی. یعنی پول را می‌دهند، خوب این هم یک رفتار حزبی برطوطراق است و با یک حرف کوچکی که یک عضو دست هشتم می‌زند تیتیر یک روزنامه و حمایت‌های تبلیغاتی و... می‌شود یعنی درست مثل یک جناح و حزب سیاسی از این رانت‌ها استفاده می‌کنند. اینها به نظر من بستری شد که عوامل نفوذ بتوانند بیایند و درون دفتر تحکیم جا خوش کنند.

بیخ‌شاید جناب دکتر، یک اشاره صحیح فرمودید به پشتوانه‌های مالی و همین‌طور حمایت‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی از حرکت‌های اخیر تحکیم. اگر بخواهیم یک

فصل سوم از دفاع مقدس تا سوم تیر

چشم‌پوش دانشجویی

از شریک‌زدگی و غریب‌زدگی تا انقلاب اسلامی



آینده‌نگری خیلی نسبی نسبت به عملکرد آینده این دفتر که به فرمایش شما به صورت شبهه‌حزب هم حتی دارد عمل می‌کند و جریان نفوذ در آن هم دیگر برای تمامی جناح‌ها آشکار شده و بعضاً در گفته‌های‌شان هم به آن عمل می‌کنند، داشته باشیم، آینده این دفتر چگونه خواهد شد؟

خوشبختانه در درون خود متن دانشجویی و در انجمن‌های وابسته به دفتر تحکیم، یک حرکت بازگشت به محور اصلی آغاز شده، یک نوع آگاهی و حضور نسبت به حقیقت وضعیت و اصل واقعیت پیدا شده.

این مرهون چیست؟

اصولاً هر تحرکی که در این هفت، هشت ساله در محیط دانشجویی ایجاد شد، اساساً مرهون هدایت‌ها و تأکیدات رهبری است. این را هیچ‌کس نمی‌تواند کتمان کند، چون ایشان تنها کسی بود که محکم ایستاد که دانشجویان باید در صحنه‌های سیاسی باشد و باید فعال هم باشد. تشویق کردند، حمایت کردند، حتی از بسیاری از خطاهای کاملاً آشکار و واضح آنها بزرگوارانه چشم پوشی کردند، پذیرفتند، حمایت کردند. البته به هر حال در آن جریان عمومی که ما اسمش را جناح دوم خرداد می‌گذاریم، در آنها هم به هر حال عناصر اصولگرایی هستند که در تعاملات جناحی و حزبی و کسب قدرت تا حدی حاضرند اصول را فدا نکنند، دیگر از این مرحله بالاتر نمی‌روند. به هر حال آنها هم الان دارند یک عکس‌العمل‌هایی نشان می‌دهند که آن هم بی‌تأثیر نیست، اما به هر حال دانشجویان از آنجایی که جوان است و پاک و آرمانخواه است، خلاصه متوجه نفاق خواهد شد و آن را پس خواهد زد، همیشه همینطور بوده است. این حرکت نفوذی نفاق چون در درون خودش یک تناقض اساسی دارد، نمی‌تواند ادامه بدهد.

خلاصه از یک طرف می‌خواهد از عنوان انجمن اسلامی که دارای اعتبار دینی و اعتبار انقلاب اسلامی است استفاده بکند، از طرف دیگر می‌خواهد زیر آب همه اینها را بزند. این را نمی‌تواند ادامه بدهد، چون این تناقض معنایی یک جا باید حل بشود. من فکر می‌کنم این عناصر نفوذی به هر حال باید این اسم را از روی خودشان بردارند. اسم خودشان را بگذارند و این طور خواهد شد. به هر حال باید این نهاد مقدس را تحویل صاحبان اصلی اول بدهند.

به هر حال الان ما مدعی هستیم که جریان نهضت آزادی پیوند محسوسی دارد با تحکیم. آیا نباید خودشان بیابند شفاف بگویند؟

من خودم بیشتر دوست دارم که ما از موضع فکری طبقه‌بندی کنیم. عناصر لیبرال بی‌قیدی که اعتقادی به هیچ‌یک از مبانی ملی و دینی ندارند، برخلاف آنچه که اسم خودشان را ملی و مذهبی می‌گذارند، حتی به مبانی ملی ما اعتقاد ندارند، چون به هر حال مبانی ملی ما این است که عزیزان‌شیم در دنیا. چرا ما باید تیول آمریکا باشیم؟ چرا باید تابع سیاست‌های جهانی باشیم؟ ما پایه گذار تمدن بودیم در دنیا، امروز چرا نتوانیم در صحنه‌های سیاسی اقتصادی حرف بالا را بزنیم؟ چرا وقتی دشمن به ما حمله می‌کند، نرویم دفاع کنیم؟ خب اینها که دروغ می‌گویند ملی. خب، مذهبی هم که هر کس مذهب خودش را خودش تعیین بکند، مثلاً اعتقاد رواج پیدا کند بگوئیم اشکال ندارد، فساد رواج پیدا کند بگوئیم اشکال ندارد، تفسیر شما این است که این فساد است، من نمی‌دانم. اگر هر کس دین خودش را خودش تفسیر کند، چه چیزی از دین باقی می‌ماند؟ این موجب دیکتاتوری است. وقتی شما دین را این جوری نصفش بکنید، در واقع دارید زمینه‌های دیکتاتوری را مهیا می‌کنید، این نمی‌تواند ادامه بدهد.

آیا این موضوع حل خواهد شد؟

من فکر می‌کنم که حرکت عمومی دانشجویی ما نمی‌تواند این جریان نفاق را با جریان زبونی در مقابل غربی‌ها و خودباختگی را برای دراز مدت تحمل بکند. در گذشته هم همین طور بود. از متن حرکت دانشجویی، حرکت خودباوری و اتکالی به نفس جوشید و بسیار من امیدوارم که این رویکرد مبارک اتفاق بیفتد. نشانه‌هایش را ما داریم، می‌بینیم.



گفت‌وگو با دکتر کامران باقری لنکرانی
در باره جریان‌های دانشجویی شیراز

هم قسم شدیم در برابر مدعی العموم به وظیفه‌مان عمل کنیم

لنکرانی چهره نام آشنا و موفقی است که در دولت نهم عهده‌دار مسئولیت وزارت بهداشت بود. او سال‌های دانشجویی خود را در شیراز سپری کرد و نقشی کلیدی در شکل‌گیری جامعه اسلامی دانشجویان داشت. خاطرات او از فعالیت‌های دانشجویی در آن دوران تصویر روشنی را فراروی نسل سوم انقلاب قرار می‌دهد. لنکرانی گاه از گذشته می‌گوید و گاه از امروز. او می‌کوشد تا ضمن مرور تجربه‌ها گریزی به شرایط کنونی تشکل‌های دانشجویی بزند و به عنوان یک فرد صاحب‌نظر و باتجربه، دلسوزانه نکاتی را نیز در خصوص وضعیت حاضر تذکر دهد. بیان او دل‌چسب است و خواندنی، خصوصاً برای کسانی که دستی در فعالیت دانشجویی دارند.

دبیرستان، یعنی مهر سال ۵۷ وجود داشت. در سال ۵۸ مدیریت دبیرستان در اختیار برادرانی که دانشجویان دوره‌های تکمیلی دانشگاه شیراز بودند، قرار گرفت و طبیعتاً این ارتباط نزدیک‌تر شد. مثلاً یادم می‌آید در اردیبهشت ماه ۵۹، یعنی

در چه سالی وارد دانشگاه شدید و فضای سیاسی را چگونه می‌دیدید؟
مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردیم، دبیرستانی بود و وابسته به دانشگاه شیراز، به همین دلیل ارتباطمان با دانشگاه از همان سال ورود به

چشم‌انداز دانشجویی

از شهری زندگی و غربی زندگی تا انقلاب اسلامی

